



حمله آلمان به لهستان در ۹ شهریور سال ۱۳۱۸/اول سپتامبر ۱۹۳۹، آغازگر بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشریت بود. هرچند ۳ روز پس از حمله آلمان به لهستان شورهایی همچون انگلیس و فرانسه علیه آلمان وارد جنگ شدند ولی در کمتر از یک ماه لهستان به تصرف نیروهای نازی درآمد.مهم‌ترین کشورهای جبهه متحدین عبارت بودند از آلمان، ژاپن و ایتالیا که قبل از حمله آلمان به شوروی در بسیاری از نبردها پیروز بودند ولی کار زمانی برای اینها سخت شد که شوروی وارد عرصه جنگ شد. از این پس جنگ در اروپا تا اندازه زیادی به سود متفقین پیش رفت و بتدریج دامنه جنگ به آسیا و خاورمیانه کشیده شد. ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای خاورمیانه از یک طرف با مستعمرات انگلیس(هند) هم‌مرز بود و از طرف دیگر با شوروی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی متفقین. به همین دلیل اتحاد با ایران برای هر یک از جناحین نبرد امتیاز ویژه‌ای به شمار می‌رفت. ایران در نخستین روزهای جنگ جهانی، بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کرد.هرچند در نظر برخی سیاست‌شناسان این‌ اعلام بی‌طرفی یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات «رضاشاه» در دوران حکومتش به شمار می‌رود.

■ چرا ایران؟

همانطور که گفته شد ایران در نخستین روزهای جنگ بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی به نظر می‌رسد با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی کشور در منطقه، بزودی کشورهای در حال جنگ در تلاش برای ورود ایران به اتحاد خود برمی‌آیندند. در این بین با توجه به مرز مشترک میان ایران و شوروی و نیز وجود مستعمرات و منافع انگلیس در جنوب ایران، نگاه مثبت ایران به سمت جبهه متحدین می‌توانست راهگشای آنها برای ضربه زدن به جبهه متفقین به حساب آید. کشیده شدن جنگ به سمت شوروی بیش از پیش اهمیت ایران را در میان کشورهای دو سوی جبهه نشان داد. لزوم انتقال با سرعت سلاح، مهمات و نیروی نظامی

**سیدمحسن موسوی‌زاده‌جزایری**: پاییز ۱۳۵۷ کارکنان بانک مرکزی اسامی ۱۷۵ نفر را اعلام کردند که ظرف ۲ ماه شهریور و مهر ۵۷ معادل ۱۳ میلیارد تومان ارز از کشور خارج کرده بودند. موضوع جهت رسیدگی به دادسرا سپرده شد. نتیجه تحقیق مثبت بود. خروج خارج‌کنندگان ارز از کشور ممنوع شد اما در همان حال بیشتر ممنوع‌الخروج‌ها فرار کردند. طی همان ۲ ماه، ۱۷ اعتبار با رمز سیاسی به حساب‌های اختصاصی در بانک‌های سوییس، فرانسه و آمریکا به ارزش ۳۷۵۰ میلیون تومان حواله شد.اتحادیه کارکنان بانک مرکزی ایران در پی این افشاسازی، اسامی خارج‌کنندگان ارز را انتشار داد. مساله‌ای که موجب شد روند پرشتاب سرنگونی رژیم پهلوی شتاب بیشتری بگیرد.<sup>[۱]</sup> روزی بر اسامی افراد و میزان دارایی‌هایی که از کشور خارج کرده‌اند نشان می‌دهد اکثر این افراد از مسؤولان دولتی یا صاحبان صنایع و تجار مطرح ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بوده‌اند. افرادی که ریشه ثروت و موقعیت اجتماعی‌شان به تحولات همین ۲ دهه برمی‌گردد، به همین دلیل این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی موجب شد چنین قشری در ایران به وجود آمده و به چنین ثروت‌هایی دست یابند؟ این نوشتار درصدد پاسخ به این سوال است.

■ تغییر از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۰۷، به دلیل وضعیت

نامناسب اقتصادی کشور ما، ایالات متحده تلاش کرد با دادن وام و کمک‌های بلاعوض، وضعیت اقتصادی ایران را از سقوط نجات داده و بسترهای تدوام حکومت پهلوی دوم را فراهم کند. با این حال وجود فساد مالی و بی‌برنامگی موجب شد تزریق منابع مالی نه‌تنها کمکی به ایران نکند بلکه موجب نا رضایتی بیشتر مردم ایران را فراهم کند؛ مساله‌ای که باعث فشار آمریکایی‌ها برای انجام اصلاحات اقتصادی مانند اصلاحات ارضی در اوایل دهه ۴۰ شد.<sup>[۲]</sup> علاوه بر این، بعد از جنگ دوم

نگاهی به قربانی شدن ایران توسط متفقین در جریان جنگ جهانی

# چرا ایران اشغال شد؟

- فرود نودهی**

کشورهای متفق، اشغال ایران از نظر کشورهای شوروی و انگلیس اجتناب‌ناپذیر جلوه کند.

■ **ضعف نظامی ایران**

اگرچه روسیه و انگلیس در آغاز از حربه تحریم اقتصادی استفاده کردند تا با اعمال فشار بر ایران، بتوانند خواسته‌های خود را تحمیل کنند ولی رضاشاه کماکان دل به پیروزی آلمان‌ها بسته بود و هیچگونه نظر مثبتی نسبت به خواسته‌های متفقین از خود نشان نداد تا در نهایت نیروهای متفقین در نخستین ساعات باامداد روز سوم شهریورماه سال ۱۳۲۰ با ورود به خاک ایران، عملیات اشغال ایران را آغاز کردند. تنها دفاع جدی از سوی ایران در مقابل حمله متفقین توسط سپهبد «شاهبختی» در خوزستان رخ داد. مقاومتی که به نظر می‌رسد بیش از آنکه در قالب ارتش و تحت دستورهای مسؤولان بالادستی انجام گرفته باشد، ناشی از هیجان و خروش نیروهای محلی بود. در ادامه حمله انگلیسی‌ها از جنوب، مقاومت در اهواز خیلی زود از هم پاشید و پس از این «علی منصور» که دیگر توان مدیریت بر اوضاع آشفته را نداشت با دستور رضاشاه از سمت خود استعفا کرد که این مساله ضعف دیپلماسی و ساختار سیاسی ایران را در کنار ارتش بیشتر جلوه‌گر کرد. رضاشاه ۵ شهریور «محمدعلی فروغی» نخست‌وزیر سابق خود را تنها راه گریز از بحران دانست و وی را مسؤول تشکیل کابینه کرد. فردای آن روز نیز اعلامیه‌ای از سوی شاهنشاه ایران مبنی بر عدم مقاومت در مقابل نیروهای متفقین صادر شد تا با حداقل کشتار و مقاومت، خاک ایران به تصرف متفقین درآید.<sup>[۳]</sup> حمله متفقین به ایران اگر ضعف دستگاه دیپلماسی و سیاسی ایران را نزد همه آشکار نکرده باشد، وضعیت بسیار پهم‌ریخته دستگاه نظامی را روشن کرد. در کمتر از ۵ روز از ورود نیروهای انگلیس و شوروی به خاک ایران، دستور عدم مقاومت از سوی رضاشاه به عنوان شخص نخست مملکت صادر شد. علاوه بر این وزیر وقت جنگ، دستور انحلال ارتش ۴۰ هزار نفری اول دوم را صادر کرد. جالب آن است که رضاشاه عدم مدیریت خود بر ارتش و از هم پاشیدن آن را به گردن فرماندهان نظامی می‌انداخت. بدین ترتیب، واسطه شهریور وزیر جنگ و فرمانده کل قوا با دستور رضاشاه دستگیر شدند.<sup>[۴]</sup> به گفته سپهبد «محمد نخچیان» (امیر موقف): «عصر همان روز (آزادکردن سربازان) که این احضار شده بودم، اغلب امرای ارتش به سداعباد احضار شده و شاهنشاه در حضور والاحضرت ولایتعهد با عصبانیت هر چه تمام‌تر، بایکون افسران ارشد ارتش را کنده و آنها را از عملی که انجام داده بودند، سرزنس کردند و مرتبا با فریاد و ناله می‌گفتند چرا سربازان را لخت و گرسنه از سربازخانه‌ها مرخص کرده‌اید و برای نابودی ارتش در اتاق در بسته طرحی تنظیم و نظام وظیفه را ملغی و استخدام سرباز داوطلب را با ماهی ۳۵ تومان حقوق به تصویب رساندید؟»<sup>[۵]</sup> این مسائل گواه این مدعااست که نیروی نظامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی که رضاشاه به عنوان ارمنشان حکومت خود از آن یاد می‌کرد، فریوآشپسیده بود. دستگاه نظامی پهلوی اگرچه از سلاح‌های نسبتا مدرن و حرفه‌ای برخوردار بود و نظامیان با تمرینات

بی‌نوش

۱- محمد ترکمان، اسناد نقش بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، سیاست خارجی در آستانه اشغال، تهران، کویر، ۱۳۷۰، ص ۷

۲- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران، البرز، ۱۳۷۵، ص ۷۱

۳- ال.بی.اول ساتن، رضاشاه کبیر با ایران نو، ترجمه: عبدالعظیم صوری، تهران، بی.نا، ۱۳۴۲، صص ۴۹۹-۴۹۸

۴- محمد ترکمان، اسناد نقض بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، تهران، کویر، ۱۳۷۰، ص ۲۴

۵- همایون الهی، اهمیت استراتژیک ایران در جنگ دوم جهانی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۱

۶- همان، ص ۱۲۴

۷- محمدنخچیان، شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، شماره ۱۸، ۱۳۴۱، ص ۱۲۴

۸- عباسقلی گلشایان، خاطرات زندگی سیاسی من، مجله وحید، شماره ۲۳۸، ص ۲۷

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

نفتی دچار رکود اقتصادی و تورم فزاینده شده بود- تحت عنوان مبارزه با فساد اقتصادی و گرانفروشی این طبقه را مهار کند.<sup>[۶]</sup> با این حال این مقبله در سال‌های لوج‌گیری انقلاب به دلیل بحرانی شدن وضعیت کشور متوقف شد به طوری که هر دو اینها (شاه و خاندان سلطنتی و طبقه صاحب‌نفوذ اقتصادی) به دلیل موج انقلاب منافع خود را در خطر دیده، تصمیم می‌گیرند ثروتی را که در سال‌های گذشته از طریق رانت‌های دولتی به دست آورده بودند، به خارج از کشور منتقل کنند. از این رو در سال ۵۷ شاهد موج خروج ثروت ملی توسط این افراد به اروپا و آمریکا هستیم.

بی‌نوش

۱- جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۴۰۹

۲- محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان پهلوی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ص ۳۷۰

۳- سلسله پهلوی به روایت کمبریج، عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵

۴- ابراهیم عباسی، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۲۱۰-۲۰۹

۵- سیف‌الله سیف‌اللهی، اقتصاد سیاسی ایران، پژوهشکده جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی المیزان، تهران ۱۳۷۴، ص ۲۸۶

۶- حسین آبادیان، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹

۷- ابراهیم عباسی، همان، ص ۲۳۴

۸- سیف‌الله سیف‌اللهی، همان، ص ۲۹۵

۹- وحید سینیایی، دولت مطلقه نظامیان و سیاست در ایران ۱۳۵۷-۱۲۹۹، تهران، نشر کویر، ۱۳۴۰، ص ۳۸۰

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۵

اشاره

نامی که رسانه‌های آمریکایی به جنگ متفقین با ارتش رضاشاهی دادند

**جنگ ۸۰ ساعته**



**موسی فقیه‌حقانی**: ناتوانی ارتش رضاشاهی بارها در گزارش‌های فرستادگان سیاسی دولت‌های غربی مورد اشاره قرار گرفته بود و حتی این موضوع توسط وابسته سفارت فرانسه به رضاخان نیز گوشزد شده بود. اما از آنجا که دیکتاتور‌ها گوششی برای شنیدن نداشتند و دچار توهم قدرتمداری می‌شوند با خشم و نازاحتی با این سخنان مواجه شد. جنگ متفقین علیه ایران از ساعت ۲ بامداد ۲۵ آگوست تا ۱۰ بامداد ۲۸ آگوست ۱۹۴۱ طول کشید. ۲۸ آگوست ۱۹۴۱، ایران به نیروهای دستور «ترک مقاومت» داد و این دستور از ساعت ۱۰ صبح همان روز به اجرا درآمد. تهاجم بریتانیا از طریق خوزستان و غرب ایران و تهاجم روسیه از مناطق شمالی «هارولد مینور» دبیر سفارت آمریکا در ایران در آن ایام را مطالعه می‌کنیم.\*

به نظر می‌رسد با وجود تمام‌حجت مشترک روسیه و انگلیس به ایران، باز هم ارتشی ایران با حمله نیروهای روس و انگلیس کاملا غافلگیر شده بود. همچنین گفتنی است مسیره‌های تهاجم سال ۱۹۴۱، همان مسیره‌های تهاجم در جنگ اول جهانی بود. نوامبر ۱۹۱۴، نیروهای بریتانیایی قبل از ورود به عراق، آبادان و پایانشگاه نفت را اشغال کردند. بهار سال ۱۹۱۵، پس از شکست عثمانی در شبیه در حومه بصره، بریتانیا بخشی از نیروهای خود را برای تصرف محمره (خرمشهر) گسیل کرد و پس از تصرف آن شهر در آوریل ۱۹۱۵، به سرعت اهواز و میدان‌های نفتی را اشغال کرد. این سناریو آگوست ۱۹۴۱ تکرار شد. هر چند این بار بریتانیا برای تکمیل اشغال آبادان، خرمشهر و بندر شامپور فقط ۳۶ ساعت وقت صرف کرد؛ و ۲۸ آگوست سال ۱۹۴۱، نیروهای بریتانیا اهواز را گرفته و میدان‌های نفت را به طور کامل اشغال کرده بودند. به طور مشابه، مسیر تهاجم به غرب ایران در سال ۱۹۴۱ همان مسیری بود که در ۱۹۱۸ انگلیسی‌ها پیموه بودند: خاتینق، قصرشیرین، کرمانشاه و همدان. در واقع، در پارلمان بریتانیا حس نوستالژیک و تحسین بسیاری پدید آمده بود که نیروهای ژنرال «یوبل» در سال ۱۹۴۱ همان مسیری را پیموه‌اند که ژنرال «دنسترویل» در ۱۹۱۸ پیموه بود. در جنگ اول جهانی، روس‌ها از ۳ محور به ایران حمله کردند: «برزیل»، «نژلی- رشت» و «مشهد». سال ۱۹۴۱ نیز مسیر حمله آنها همین ۳ محور بود. به نظر می‌رسد ایرانیان با انتظار حمله را نداشتند یا واقعیت را انکار می‌کردند و حمله را باور نداشتند یا مقاومت در برابر نیروی کوبنده و توانفرسای متفقین را اساسا بی‌فایده می‌دانستند و تن به قضا داده بودند.

از همان آغاز، دولت ایران از ۲ قدرت تقاضا کرد حمله را متوقف کنند. ۲۷ آگوست ۱۹۴۱، کابینه جدیدی در ایران روی کار آمد. روز بعد دولت جدید اعلام کرد از آنجا که ایران «کشوری صلح‌دوست» است، یکجانبه اعلام «ترک مقاومت» می‌کند. با این حال، متفقین به پیشروی در خاک ایران ادامه دادند و همانطور که قبلا اشاره شد، ۲ ارتش، ۳۱ آگوست ۱۹۴۱ در قزوین به هم رسیدند، ناظرانی که از نزدیک ناظر اوضاع ایران بودند، از جمله موس و دریفوس، حداکثر انتظار بر واورردشان از ارتش ایران، «مقاومتی نمادین» بود. ارتش کوچک و بی‌تجهیزات ایران نمی‌توانست مانع حمله متفقین شود یا حتی از سرعت پیشروی آنان بکاهد اما در نتیجه عدم مقاومت در برابر تهاجم، اعتبار مشروعیت رژیم رضا شاه بیش از پیش از دست رفت و همین، تاج و تخت لرزان رضا شاه را محکوم به فنا کرد.

\*گزارش مزیور به صورت کامل در کتاب شهریور ۲۰ اثر دکتر «محمدقلی مجد» که بزودی از سوی موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران منتشر خواهد شد، درج شده است.

**@vatanemrooz**

**در شبکه‌های اجتماعی**